

Applying Grounded Theory to Design an Entrepreneurial Knowledge Management Model for Utilizing International Entrepreneurial Opportunities

1. Fataneh Amiri^{ID}: Department of Performance Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Ahmadreza Kasraei^{ID*}: Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Mohamadreza Kabaranzad Ghadim^{ID}: Department of Industrial Management, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email Address: Kasrai49@yahoo.com

Abstract:

Today, organizations seeking to leverage an entrepreneurial approach to achieve their goals—such as survival, growth, and development—must create conditions for entrepreneurial behavior through knowledge management. The most critical factor in successful corporate entrepreneurship is the effective management of knowledge within the organization. This study aims to design an entrepreneurial knowledge management model to capitalize on international entrepreneurial opportunities. The research follows a mixed-methods approach, incorporating both qualitative and quantitative methodologies. In the qualitative phase, semi-structured interviews were conducted with experts employed in the industrial parks of Tehran Province, selected through purposive sampling. Theoretical saturation was reached at the tenth participant out of a total of 14 interviewees. Data analysis was performed using the grounded theory method, following the Strauss and Corbin approach, which ultimately led to the development of the final model. Through this process, 19 concepts were identified based on verbal expressions and were categorized into five main dimensions. For the quantitative validation of the model, structural equation modeling was employed. Initially, questionnaires were developed, and their validity and reliability were assessed. Construct, content, divergent, and convergent validity were examined, and reliability was confirmed using Cronbach's alpha and composite reliability, all of which were validated. The questionnaires were then distributed among the statistical sample, consisting of 162 managers and experts working in the industrial parks. Given the non-normal distribution of the data, the research model was tested and validated using the partial least squares (PLS) method with SmartPLS software version 2. According to the analysis, the impact of causal conditions on the core phenomenon was 0.753, the effect of the core phenomenon on strategies was 0.693, the impact of contextual conditions on strategies was 0.748, the effect of intervening conditions on strategies was 0.579, and the influence of strategies on outcomes was 0.787.

Keywords: Entrepreneurial knowledge management, international entrepreneurial opportunities, grounded theory.

How to Cite: Amiri, F., Kasraei, A., & Kabaranzad Ghadim, M. (2024). Applying Grounded Theory to Design an Entrepreneurial Knowledge Management Model for Utilizing International Entrepreneurial Opportunities, *Journal of Management, Education and Development in Digital Age*, 1(1), 60-73.



به کارگیری نظریه داده بنیاد به منظور طراحی مدل مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین‌المللی

۱. فتانه امیری^{ID}: گروه مدیریت کارآفرینی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. نویسنده دوم^{ID}: گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. نویسنده سوم^{ID}: گروه مدیریت صنعتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*پست الکترونیک نویسنده مسئول: Kasrai49@yahoo.com

چکیده

امروزه، سازمان‌ها اگر بخواهند از رویکرد کارآفرینی برای نیل به اهداف خود یعنی بقاء، رشد و توسعه بهره‌مند شوند بایستی با مدیریت دانش شرایط را برای بروز رفتار کارآفرینانه فراهم نمایند. مهم‌ترین عامل موفقیت کارآفرینی سازمانی، مدیریت کردن اثر بخش دانش در سازمان است. هدف این پژوهش، طراحی مدل مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین‌المللی می‌باشد. روش پژوهش از نوع کیفی – کمی است. برای گردآوری داده‌ها در بخش کیفی از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته استفاده شد که مصاحبه‌شوندگان از افراد خبره شاغل در شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران بوده و به صورت هدفمند انتخاب شدند که در میان ۱۴ نفر در نفر دهم اشباع نظری رخ داد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش داده بنیاد انجام و با رویکرد استراوس و کوربین منجر به مدل نهایی شد. در این فرایند، بر مبنای عبارات کلیدی، ۱۹ مفهوم شناسایی که در قالب ۵ محور ایجاد شدند. در بخش اعتبارسنجی کمی مدل، از روش مدل سازی معادلات ساختاری استفاده شد. در ابتدا پرسشنامه‌هایی تدوین شده و روایی و پایایی آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. برای سنجش روایی از روایی سازه، محتوا، واگرا و همگرا و برای پایایی از روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شده و همگی تایید شدند. سپس در میان نمونه آماری توزیع گردید. نمونه آماری، ۱۶۲ نفر از مدیران و کارشناسان در شرکت شهرک‌های صنعتی بودند. بر اساس تحلیل داده‌های پرسشنامه، با توجه به عدم نرمال بودن توزیع داده‌ها، از روش حداقل مربعات جزئی به کمک نرم افزار اسمارت پی ال اس نسخه ۲، مدل تحقیق آزمون شده و مورد تایید قرار گرفت. بر مبنای این تحلیل‌ها، میزان تاثیر شرایط علی بر پدیده اصلی برابر با ۰.۷۵۳، میزان تاثیر پدیده اصلی بر راهبرد برابر با ۰.۶۹۳، میزان تاثیر شرایط زمینه‌ای بر راهبرد برابر با ۰.۷۴۸، میزان تاثیر شرایط مداخله گر بر راهبرد برابر با ۰.۵۷۹ و میزان تاثیر راهبرد بر پیامد برابر با ۰.۷۸۷ می‌باشد.

کلیدواژه‌گان: مدیریت دانش کارآفرینانه، فرصت‌های کارآفرینانه بین‌المللی، نظریه داده بنیاد.

نحوه استناددهی: امیری، فتانه، کسرائی، احمدرضا، و کاباران زاد قدیم، محمدرضا. (۱۴۰۳). به کارگیری نظریه داده بنیاد به منظور طراحی مدل مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین‌المللی. نشریه مدیریت، آموزش و توسعه در عصر دیجیتال، ۱(۱)، ۶۰-۷۳.



دانایی مهم‌ترین سرمایه هر سازمان است و سازمانی که از این موهبت بیشتر برخوردار باشد یقیناً با چالش‌های موجود بهتر برخورد می‌کند و در عرصه‌های رقابت موفق‌تر خواهد بود. در عصر حاضر وجود افراد دانش‌پذیر، اساس رقابت در فضای جهانی‌شدن است و کامیابی و ناکامی اقتصادی شرکت‌های امروز به کمیت و کیفیت دانش و تخصص آن‌ها بستگی دارد. اغلب سازمان‌ها پذیرفته‌اند که در دستیابی به مزیت رقابتی پایدار، باید به کارکنان خود متکی باشند و به ارتقای دانش، مهارت و قابلیت‌های آن‌ها اهتمام ورزند. از این رو، بقای سازمان‌ها در عرصه رقابت به حفظ، توسعه و بهره‌برداری از قابلیت‌های کارکنان آن منوط شده است و سازمانی که نتواند مهارت، دانش و دانایی خود را توسعه دهد و از آن در افزایش بهره‌وری استفاده کند، قادر نیست هیچ‌یک از منابع خود را به نحو مطلوب توسعه دهد (Hadizadeh Moghadam & Rahimi Fil Abadi, 2021). نقش با اهمیت دانش در عصر حاضر نیاز به مدیریت دانش را نشان می‌دهد. مدیریت دانش با ایجاد، توسعه و ترویج دانش و تمرکز بر دارایی‌های غیر فیزیکی سازمان (تجارب و دانش کارکنان)، شرایطی را برای بروز رفتار کارآفرینی سازمانی فراهم می‌نماید و باعث بوجود آمدن سازمان‌های کارآفرین می‌شود که مجموعه این اقدامات تاثیر مستقیمی بر روی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان دارد (Mohammadkazemi & Niknamian, 2022). اساسی‌ترین مشخصه سازمان‌های قرن ۲۱، تاکید بر دانش و اطلاعات است. بر خلاف سازمان‌های گذشته، سازمان‌های امروزی دارای فناوری پیشرفته بوده و نیازمند کسب، مدیریت و بهره‌برداری از دانش و اطلاعات به منظور بهبود کارایی خود هستند به طوری که در جهان امروز دانش مهم‌ترین منبع راهبردی برای سازمان محسوب می‌شود و علاقه‌مندی به مدیریت دانش در بسیاری از سازمان‌ها روز به روز در حال افزایش است همچنین، تغییرات سریع محیط، تشدید فضای رقابتی بین شرکتها، رشد سریع سازمان‌ها، کوتاه شدن چرخه حیات محصولات و افزایش روز افزون انتظارات جامعه نیاز به نوآوری و کارآفرینی را برای بقای سازمان‌ها اجتناب ناپذیر کرده است (Bargers, 2023). از این رو، در دهه‌های اخیر فعالیت‌های کارآفرینانه به درون سازمان‌ها راه یافته است. مدیریت دانش با ایجاد، توسعه و ترویج دانش و تمرکز بر دارایی‌های غیر فیزیکی سازمان (تجارب و دانش کارکنان)، شرایطی را برای بروز رفتار کارآفرینانه فراهم می‌نماید و باعث بوجود آمدن سازمان‌های کارآفرین می‌شود که مجموعه این اقدامات تاثیر مستقیمی بر روی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان دارد (Eyal & Inbar, 2021). در واقع می‌توان گفت، سازمان‌ها اگر بخواهند از رویکرد کارآفرینی برای نیل به اهداف خود یعنی بقاء، رشد و توسعه بهره‌مند شوند بایستی با مدیریت دانش شرایط را برای بروز رفتار کارآفرینانه و نوآوری فراهم نمایند (Antonic & Hisrich, 2017). از این رو بهبود توانائی مدیریت دانش در کارکنان به عنوان یکی از عوامل کلیدی در اثربخشی فرآیند کارآفرینی، نیازمند توجه بیشتری است تا بتوان با شناخت درستی از این میزان، ضمن رفع مشکلات و محدودیت‌ها بر توانمندی‌های آنان افزود. در سازمان‌هایی که شرایط لازم برای رشد و توسعه کارآفرینی وجود ندارد، نیاز به استفاده از متغیرهایی که منجر به افزایش کارآفرینی گردد مشاهده می‌شود (Caiazza et al., 2019). پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد مدیریت دانش متغیری است که در کارآفرینی تاثیر گذار است و عوامل مختلف سازنده کارآفرینی و مدیریت دانش هر کدام به صورت جداگانه بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند (Khalil et al., 2020). مدیریت دانش، فرایند خلق و تسهیم، انتقال و حفظ دانش به گونه‌ای است که بتوان آن را به شیوه‌ای اثربخش در سازمان به کار برد. مدیریت دانش مطالعه استراتژی، فرایند و فناوری به منظور کسب، انتخاب، سازمان‌دهی، تصمیم و کاربرد تخصص‌ها و اطلاعات حیاتی برای کسب‌وکار جهت بهبود کیفیت تصمیم‌گیری و بهره‌وری سازمان است. همچنین فرایندی است که به سازمان‌ها جهت تسلط بر اطلاعات و دانش مهم که بخشی از حافظه سازمان است، کمک می‌کند و معمولاً در یک قالب بدون ساختار بوده در یک قالب و شکلی که بتواند بین افراد مبادله شود، وجود داشته باشد و دانش که شکلی از سرمایه است در کل سازمان برای موفقیت سازمان توسعه می‌یابد (Rahimnia et al., 2021). کارآفرینی و به تبع آن کارآفرینی سازمانی، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و تحت تاثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد. نهادینه کردن کارآفرینی در سازمان‌ها، مستلزم رویکردی سامان‌مند، واقع‌گرایانه و بلندمدت است و رویکردهای جزئی و کوتاه‌مدت کارساز و مفید نخواهند بود. کارآفرینی سازمانی پدیده چندبعدی بوده و بعضی از ابعاد آن سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز، کارآفرینی درون سازمانی و بازسازی راهبردی است. سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز شرکتی بر ایجاد کسب‌وکارهای جدید در داخل یا خارج شرکت تمرکز دارد (Alizadeh et al., 2024; Alizadeh & Khalili Asr, 2023). کارآفرینی درون سازمانی بر افرادی که موجب ایجاد کارآفرینی در سازمان می‌شود تمرکز دارد و بازسازی راهبردی بر فرمول‌سازی مجدد راهبرد، سازمان‌دهی مجدد و تغییر سازمانی که منجر به ترکیب منابع می‌شود تمرکز داشته و نتیجه آن اغلب مزیت رقابتی است

(Nahid, 2021). فعالیتهای کارآفرینی برای تسهیل توسعه اقتصادی، به دانش موجود و جدید متکی هستند. هرچند مدیریت دانش اغلب به تنهایی مورد تحقیق قرار گرفته است، اما محققان به دلایل زیر توجه بیشتری به مکمل هم بودن و همبستگی دانش داخلی و منابع بیرونی در جهت کارآفرینی داشته اند: اول، مدیریت دانش در سازمانها، مناطق و کشورها مستلزم درک رابطه بین سرمایه گذاری در تحقیق و توسعه و منابع بیرونی دانش به منظور دانش کارآفرینانه است. هر کدام از عناصر فوق در مطالعاتی به طور جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته است. با وجود این، در بحث کارآفرینی و مدیریت دانش، در این زمینه که چگونه منابع مختلف دانش می توانند مکمل کارآفرینی، نوآوری و بهره‌وری شوند، خلأ وجود دارد (Alizadeh & Khalili Asr, 2023). دوم، مدیریت دانش در سازمانها، مناطق و کشورها مستلزم تجزیه و تحلیل روند تصمیم‌گیری است و مدیران برخلاف مدل تصمیم‌گیری پیاپی سنتی، تصمیم به تولید، خرید یا همکاری در تولید دانش می‌گیرند. همکاری دانشی و کارآفرینی به شرکتها کمک می‌کند تا با ادغام، اصلاح و ایجاد ترکیبهای جدید با استفاده از منابع خود و سایر شرکا، ارزش افزوده اقتصادی خود را افزایش داده و قدرت رقابت خود را ارتقا دهند (Mehrani et al., 2022; Mohammadkazemi & Niknamian, 2022).

یکی از مهمترین مسایلی که جوامع امروزی با آن روبرو هستند کارآفرینی است. زمانی که کارآفرینی به عنوان یک روش زندگی توسط اکثریت افراد یک جامعه پذیرفته می‌شود، ارکان توسعه در آن جامعه در مقایسه با سایر جوامع سریع تر رشد می‌کند. مدیریت دانش با ایجاد، توسعه و ترویج دانش و تمرکز بر داراییهای غیر فیزیکی سازمان (تجارب و دانش کارکنان)، شرایطی را برای بروز رفتار کارآفرینانه فراهم می‌نماید و باعث بوجود آمدن سازمانهای کارآفرین می‌شود که مجموعه این اقدامات تاثیر مستقیمی بر روی رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان دارد (Rokhas et al., 2023). در واقع می‌توان گفت، سازمانها اگر بخواهند از رویکرد کارآفرینی برای نیل به اهداف خود یعنی بقاء، رشد و توسعه بهره مند شوند بایستی با مدیریت بر دانش شرایط را برای بروز رفتار کارآفرینانه فراهم نمایند. مهم ترین عامل موفقیت کارآفرینی سازمانی، مدیریت کردن اثر بخش دانش در سازمان است. کارآفرینی یکی از مؤلفه‌های موثر در پیشرفت اقتصادی بوده و مدیریت دانش زیرساختی ضروری برای بسیاری از فعالیتهای است. تقویت تعاملات کارآفرینی و مدیریت دانش می‌تواند در ارتقاء کارآفرینی و همچنین گسترش مدیریت دانش بسیار موثر باشد (Aghazadeh et al., 2016). برخی از اهداف و فعالیتهای مدیریت دانش، زیرساختی برای کارآفرینی است. با توجه به اینکه اکثر کارآفرینان از پشتیبانی واحدهای مطالعاتی و تحقیقاتی بی‌بهره اند، وجود مدیریت دانش می‌تواند این خلأ را پر کرده و به عنوان ساختاری برای پشتیبانی تصمیمات مورد استفاده قرار گیرد. از طرف دیگر خدمات مدیریت دانش می‌تواند فعالیتهای کارآفرینیهای متنوعی در پدید آورد. از این رو بهبود کارآفرینی و توسعه آن بر مبنای مدیریت دانش امری ضروری و غیرقابل انکار است (Khaki, 2023). توجه به این نکته که تاثیرگذاری هر یک از ابعاد مدیریت دانش بر ابعاد گوناگون کارآفرینی چگونه است، ضروری می‌باشد و تعیین روابط این ابعاد در توسعه کارآفرینی موثر است. از این جهت ارائه مدل توسعه کارآفرینی بر پایه مدیریت دانش ضروری است. همچنین، امروزه فرصت به یکی از موضوعات اصلی کارآفرینی بین المللی تبدیل شده است. جستجو و بهره برداری از فرصتهای کسب و کار بین المللی و منفعت بردن از فرصتهای ایجاد شده در بازارهای خارجی است (Bertsimas & Sim, 2020). در جهان امروز توانایی کشف و بهره برداری از فرصتها در گستره بین المللی به نظر یکی از عوامل اصلی موفقیت در کارآفرینی بین المللی است. همچنین منابع، ظرفیتهای داراییهای خاص شرکت در رشد موفقیت آمیز شرکتها در عرصه بین المللی تاثیر گذار بوده و منجر به دست یابی و حفظ مزایای رقابتی و افزایش منافع اقتصادی می‌شود. با وجود اهمیت بین المللی شدن و کارآفرینی بین المللی تحقیقات اندکی به این موضوع پرداخته است. در این زمینه توجه به مفهوم مدیریت دانش که می‌تواند در زمینه شکوفایی خلاقیت و نوآوری نقش اساسی ایفا کند، اهمیت فراوانی دارد. بر این اساس، سوال اصلی این صورت است که مدل مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصتهای کارآفرینانه بین المللی به چه صورتی است؟ به جهت پاسخ به این سوال از نظریه داده بنیاد استفاده می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهشهای آمیخته (کیفی - کمی) به شمار می‌آید و از لحاظ قطعیت اطلاعات از نوع پژوهشهای اکتشافی است و از جنبه هدف در حیطه پژوهشهای کاربردی می‌باشد. با توجه به ماهیت اکتشافی تحقیق، برای فرایند مدل سازی (که رویکرد آن به سمت نظریه سازی است نه نظریه آزمایی) از روش داده بنیاد بهره گرفته شده است.



در بخش کیفی کدگذاری باز پس از انجام مصاحبه و با خواندن چندباره‌ی مصاحبه‌های انجام شده آغاز و تا دستیابی به فهمی کلی از مصاحبه ادامه یافت. در کدگذاری محوری، مفاهیم بر اساس اشتراکات و یا هم معنایی در کنار هم قرار گرفتند. در کدگذاری انتخابی (گزینشی)، متغیر اصلی یا فرایند اساسی نهفته در داده‌ها، چگونگی، مراحل وقوع و پیامدهای آن نمودار شد. برای طبقه بندی داده‌ها از کدگذاری باز و محوری و انتخابی استفاده شد. تمام این موارد در قالب شرایط علی، مداخله گر، زمینه ای، پدیده محوری، راهبردها و پیامدها، برای ارائه مدل تولید تاب‌آور مطابق با رویکرد نظام مند نظریه داده بنیاد استراوس و کوربین (۱۹۹۸) انجام شد. این پژوهش شیوه ای است که از داده های در دسترس ناشی نمی شود بلکه براساس داده های حاصل از مصاحبه با مشارکت کنندگان که فرآیند مورد پژوهش را تجربه کرده اند ایجاد یا مفهوم سازی می شود.

در مورد تعداد نمونه نیز مناسب است تعداد مشخصی از ابتدای کار مشخص نشود و بهتر است از قاعده اشباع نظرات، تعداد مشارکت کنندگان را مشخص کنیم. در پژوهش حاضر برای گردآوری داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، هدفمند، اکتشافی و مشارکتی با خبرگان استفاده شد و از روش نمونه گیری هدفمند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. مصاحبه شوندگان از مدیران و کارشناسان شرکت شهرک‌های صنعتی تهران با حداقل ۱۵ سال تخصص در این حوزه و دارا بودن حداقل مدرک کارشناسی ارشد انتخاب شدند. در این فرایند، با ۱۴ نفر مصاحبه شد که بعد از نفر ۱۰ ام، اشباع نظری انجام شد، گرچه مصاحبه تا نفر ۱۴ ام ادامه یافت.

یافته‌ها

در کدگذاری باز مفاهیم و مقوله‌ها شناسایی و ویژگی و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شود. این موضوع به صورت جدول ۱ می‌باشد:

جدول ۱. کدگذاری باز

ردیف	عبارات کلامی مصاحبه	کدهای باز (مفاهیم)
۱	ایجاد سازمان‌های یادگیرنده و توجه به یادگیری سازمانی اهمیت زیادی دارد. حتما باید برای خلق دانش کارآفرینانه به ابزارهای اقتصادی و سرمایه مالی توجه شود که البته در این میان توجه به نیروی انسانی متخصص، آموزش دیده، با انگیزه و صبور نیز مهم است. داشتن نگاه بلند مدت برای موفقیت در مدیریت دانش کارآفرینانه کع منجر به خلق فرصت شود نیز در سرمایه‌های سازمان‌ها قرار می‌گیرد.	زیرساخت‌های سرمایه ای
۲	نیروی انسانی باید دارای نگاه جامع نگر در تمام ابعاد داشته باشد. فرهنگ کار کردن و بهره ور بودن و جذب تجربه، وجود ساختار سازمانی کارآفرینی که افراد امکان اظهار نظر داشته باشند، در مدیریت دانش کارآفرینانه اهمیت دارد. توجه به ابعاد دانش که می‌توانند منجر به کارآفرینی شوند که مثلا در بین ابن اعاد تبادل و به اشتراک کناری دانش شاید اولویت بالاتری داشته باشد.	ذهنیت کارآفرینانه مبتنی بر دانش
۳	آموزش مدیریت دانش و مفهوم آن و ارتباط آن با کارآفرینی، خلاقیت و نوآوری باعث شناخت بهتر ارتباط بین کارآفرینی و مدیریت دانش می‌شود. مطالعه پژوهش‌ها و تحقیقات در حیطه‌های کارآفرینی بین الملل که به متغیرهای مرتبط با مدیریت دانش پرداخته باشد می‌تواند در شناخت این مفهوم کمک کند. این مطالعات می‌تواند جذابیت مدیریت دانش کارآفرینانه بین الملل را زیاد کرده و مفید بودن آن را نشان دهد.	آموزش و پژوهش کارآفرینانه
۴	برخی عوامل مثل انعطاف پذیری، پاسخ گویی به تغییرات محیط (ملی و بین المللی)، قدرت پیش بینی تغییرات باید در مباحث کارآفرینی بین الملل و ارتباط آن با مدیریت دانش در نظر گرفته شود. اصولا ابعاد چابکی سازمانی و به طور کلی مدیریت چابک و الزامات مربوطه، از عوامل مهم بوده که در مدیریت دانش کارآفرینانه نقش آفرینی دارند. رویارویی با فرصت‌ها، تهدیدها، هماهنگی با سایر سازمان‌ها و پویایی و جسارت از ویژگی‌ها مهم می‌باشند.	چابکی سازمان
۵	استفاده از دانش، درس آموخته‌ها و تجربه‌های گذشته می‌تواند در مقابله و بهره مندی از موقعیت‌های مختلف بین المللی یاری بخش باشد و فرصت‌هایی را در حوزه بین الملل ایجاد کند. همچنین مشورت گرفتن با افراد متخصص و با تجربه در حوزه بین المللی نیز در موفقیت استفاده از فرصت‌ها و ورود به کسب و کارهای متنوع اثرگذار باشد.	توجه به موقعیت‌های جهانی به عنوان فرصت و بهره برداری از این فرصت‌ها

۶	گاهی دانش و تجربه برای انجام کارآفرینی و پیاده سازی ایده جدید در سطح بین المللی کافی نیست که این به شرایط ویژگی کشورهای مقصد جدیدی که در کشورها ایجاد می شود بر می گردد.
۷	سیاست ها و برنامه های دولت، نوع حمایت های دولت، فضای قوانین کسب و کار و میزان پشتیبانی دولت از آن ها، قوانین و مقررات داخلی برداشت های مختلف از مقررات نیز در تجربیات کارآفرینی بین المللی موثر است.
۸	به نظر بنده، آشنایی با روش های دور زدن تحریم ها، مصالحه و سازش با سایر کشورها و ایجاد هزینه برای تحریم کنندگان، خنثی سازی تحریم ها از مصداق های مدیریت دانش کارآفرینانه برای ایجاد فرصت محسوب می شود.
۹	در صورت ایجاد و پیاده سازی مدیریت دانش کارآفرینانه، می توان با تامین کنندگان و مشتریان ارتباط برقرار کرد تا این مدیریت دانش بهتر عمل کند و تجربیات سایر شرکای زنجیره تامین حفظ شود و در عین حال مدیریت ارتباط با مشتری مشتریان بازارهای خارجی مشارکت با تامین کنندگان و مدیریت دانش بهتر عمل کند و تجربیات سایر شرکای زنجیره تامین حفظ شود و در عین حال مدیریت ارتباط با مشتری
۱۰	و توجه به نیازهای مشتری به منظور ایجاد فرصت های جدید نیز انجام شود. در ابتدا خلاقیت و سپس نوآوری که منجر به کارآفرینی می شود که حفظ و بکارگیری این جریان می تواند در مقاطع زمانی دیگر یاری رسان شود. خلاقیت می تواند در خلق دانش اثرگذار باشد و در نهایت در خلق فرصت های ملی و بین المللی دیده شود.
۱۱	به کارگیری فناوری های روز نظیر سیستم های اطلاعاتی شامل سیستم اطلاعاتی مدیریت و برنامه ریزی منابع سازمانی در به کارگیری فناوری های به روز و نهایت منجر به مدیریت تجربه و دانش افراد کمک می کند. سیستم های مدیریت فرایند کسب و کار که در آن ها نوآوری ها پیشرفته ثبت می شود و این موضوع در نهایت به مدیریت دانش مناسب ختم می شود.
۱۲	ماهیت رو به تحول آموزش عالی، دانشگاه ابزاری برای اعتالی جامعه، تلاش دانشگاه برای جبران نیازهای جامعه، این ها عواملی هستند که به انتقال مطالب مفید در حیطه های کارآفرینی بین الملل منجر می شود و مدیریت این انتقال تجربه می تواند به بهبود عملکرد سازمانی منجر شود. تلاش در جذب اساتید متخصص در حوزه های کارآفرینی می تواند به بهبود استفاده از فرصت های مختلف کمک کند.
۱۳	وجود پایگاه های دانش دیجیتال، دسترسی سریع به شبکه های جهانی، وجود امکانات کامپیوتری، بسترهای مناسب فناوری اطلاعات بین المللی، زیرساخت های نرم افزاری و سخت افزاری می تواند در بهبود مدیریت دانش کارآفرینانه موثر باشد.
۱۴	مدیریت فرهنگی و ارتباطات بین الملل مناسب با سازمان های مختلف و توجه به تجربیات مختلف در این زمینه در مدیریت دانش کارآفرینانه کمک می کند.
۱۵	برنامه ریزی های مناسب برای تبادل، به اشتراک گذاری و تسهیم دانش و تجربه و درس آموخته ها با سایر سازمان ها از یک طرف باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری شده و از طرف دیگر در ایجاد فرصت های بین المللی برای کارآفرینی و استفاده از فرصت ها می تواند مفید باشد.
۱۶	طبیعتا به کارگیری دانش و تجربه در پروژه های گذشته می تواند منجر به ارائه کالا یا خدمات جدیدی شده که در نهایت سطح بازار بزرگ تری را به ارمغان می آورد.
۱۷	به کارگیری فناوری ها به صورت کامل، توسعه ابتکار و خلاقیت، دانایی و سرمایه های فکری و ترکیب این عوامل می تواند منجر به دستیابی سازمان به یک مزیت رقابتی پایدار شود.
۱۸	برگزاری جلسات و طوفان فکری، افزایش قدرت ریسک پذیری مدیران، توجه به نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در حوزه های مدیریت دانش و کارآفرینی می تواند باعث ایجاد راه حل های خلاقانه شود.
۱۹	بهبود عملکرد، رشد سهم بازار، سودآوری، توسعه شرکت، سبب ایجاد ارزش های اقتصادی توجه به مدیریت دانش کارآفرینانه در سطح بین الملل است. اشتغال زایی، برطرف کردن نیاز جامعه، رضایت مشتری و پرسنل، افزایش سرعت و دقت سبب ایجاد ارزش های اجتماعی توجه به مدیریت دانش کارآفرینانه در سطح بین الملل است.

جدول ۲. کدگذاری محوری

محورها	مفاهیم	ردیف
علی	زیرساخت‌های سرمایه ای	۱
	ذهنیت کارآفرینانه مبتنی بر دانش	۲
	آموزش و پژوهش کارآفرینانه	۳
	چابکی سازمان	۴
پدیده	توجه به موقعیت‌های جهانی به عنوان فرصت و بهره برداری از این فرصت ها	۵
	مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین المللی	۶
	ویژگی کشورهای مقصد	۷
	قوانین و مقررات داخلی	۸
زمینه‌ای	خنثی سازی تحریم ها	۹
	مشارکت با تامین کنندگان و مشتریان بازارهای خارجی	۱۰
	گرایش به خلاقیت و نوآوری و خلق دانش کارآفرینانه	۱۱
	به کارگیری فناوری‌های به روز و پیشرفته	۱۲
راهبرد	ارتباط دانشگاه با جامعه و کارآفرینان	۱۳
	عوامل فناوری	۱۴
	دیپلماسی فرهنگی	۱۵
	ضعف در توجه به برنامه‌ریزی	۱۶
تسهیل گر/ مداخله گر	گسترش بازارمحصول	۱۷
	کسب مزیت رقابتی پایدار	۱۸
	ایجاد راه حل‌های خلاقانه هنگام مواجهه با مسایل ها و تبدیل مساله به فرصت	۱۹
	ایجاد ارزش‌های اقتصادی و اجتماعی	۲۰

نهایتاً بر اساس کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی که به طور همزمان انجام شده است مدل پژوهش به منظور اعتبارسنجی به شیوه کمی تدوین شد. به منظور اعتبارسنجی کمی مدل، از تکنیک مدل سازی معادلات ساختاری استفاده می‌شود. در این راستا، کل جامعه آماری برابر مدیران و کارشناسان شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران بوده که بالغ بر ۲۸۰ نفر بوده که بر اساس رابطه کوکران تعداد نمونه برابر ۱۶۲ بوده که به عنوان نمونه انتخاب و پرسشنامه میانان‌ها توزیع شده است. در مورد روایی پرسشنامه از متخصصین کمک گرفته شده و اصلاحات جزئی در پرسشنامه اعمال گردید. در ادامه به محاسبه روایی واگرا (جدول ۳) و همگرا (جدول ۴) نیز پرداخته شده است که هر دو تایید شده اند. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ (جدول ۵) استفاده و هر دو تایید شده اند. برای تایید روایی واگرا لازم است که اعداد فطر اصلی از اعداد سمت راست و پایین بزرگتر باشند. برای تایید روایی همگرا لازم است که مقادیر شاخص میانگین واریانس استخراجی (AVE) بزرگتر از عدد ۰.۵ و برای تایید پایایی نیز مقادیر ضریب آلفای کرونباخ بیشتر از ۰.۷ شود.

جدول ۳. روایی واگرا

عوامل	علی	زمینه‌ای	پدیده	تسهیل	راهبرد	پیامد
علی	۰/۸۵					
زمینه	۰/۲۶	۰/۷۷				
پدیده	۰/۴۲	۰/۴۶	۰/۶۳			
تسهیل	۰/۳۱	۰/۳۶	۰/۴۴	۰/۷۰		
راهبرد	۰/۳۰	۰/۲۵	۰/۲۹	۰/۳۳	۰/۸۶	
پیامد	۰/۴۱	۰/۲۳	۰/۴۷	۰/۲۰	۰/۳۵	۰/۶۹

جدول ۴. آلفای کرونباخ و روایی هم گرا

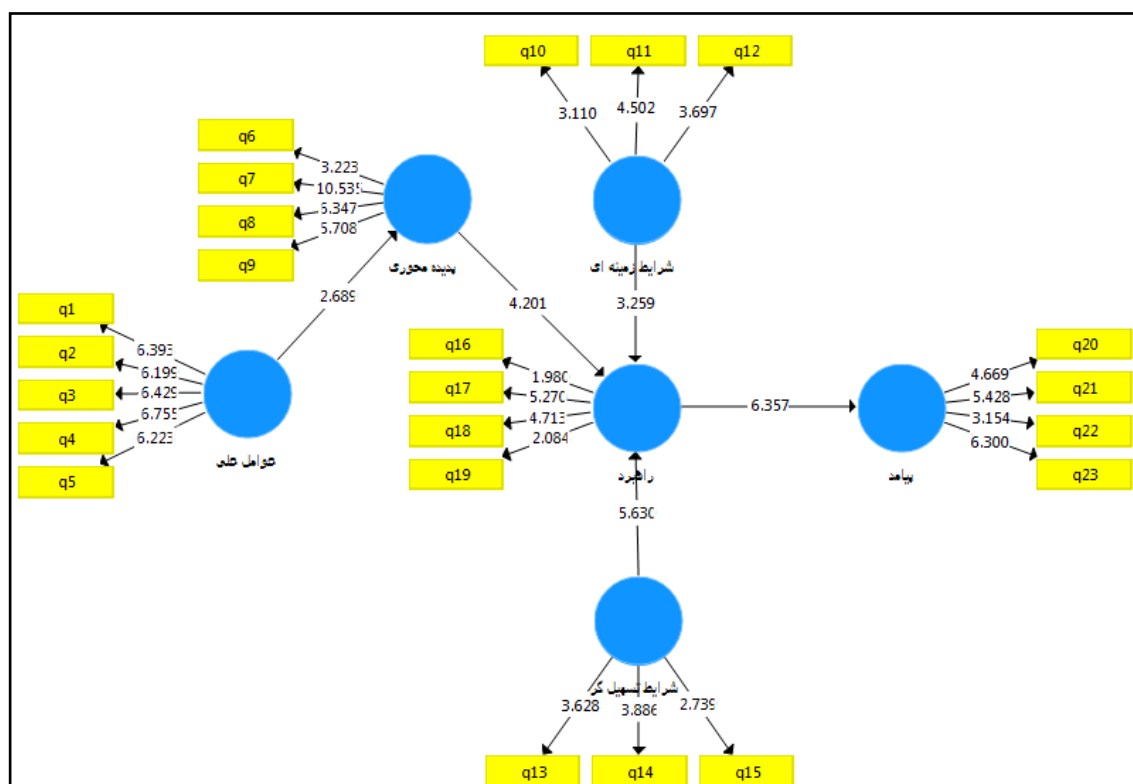
عامل	آلفای کرونباخ	AVE
شرایط علی	۰/۷۱۱	۰/۶۱۱
پدیده اصلی	۰/۷۵۵	۰/۶۷۸
شرایط زمینه ای	۰/۷۴۳	۰/۶۲۸
شرایط مداخله کننده/تسهیلگر	۰/۷۲۹	۰/۶۸۴
راهبرد کنش	۰/۸۰۴	۰/۶۲۸
پیامد	۰/۷۵۳	۰/۹۱۱

در خصوص سنجش توزیع متغیرها و استفاده از روش آماری مناسب، از آزمون کولموگروف – اسمیرنوف استفاده شده (جدول ۵) و با توجه به کمتر بودن مقادیر معنی داری از مقدار ۰/۰۵، توزیع داده‌ها نرمال نبوده و بر این اساس از روش حداقل مربعات جری برای سنجش ارتباطات میان متغیرهای استفاده می‌شود.

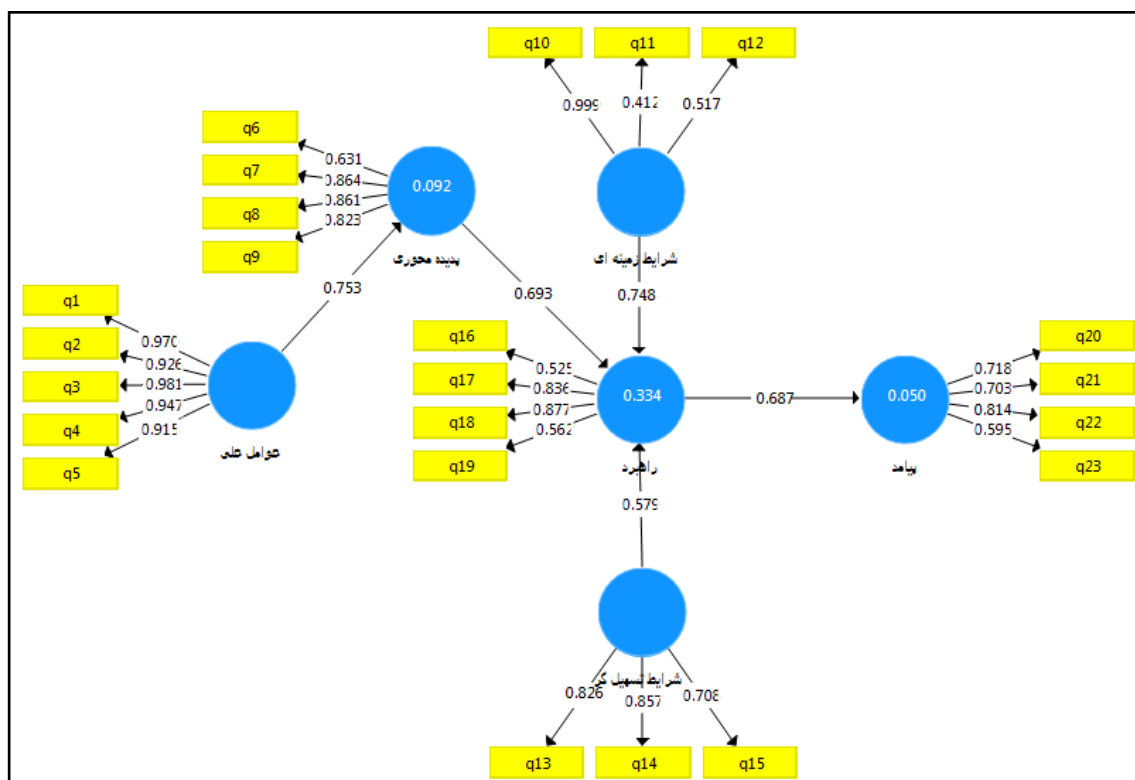
جدول ۵. آزمون نرمال بودن

متغیر	سطح معنی داری	نتیجه
شرایط علی	۰/۰۰۰	غیر نرمال
پدیده اصلی	۰/۰۰۰	غیر نرمال
شرایط زمینه ای	۰/۰۰۰	غیر نرمال
شرایط محدود کننده/تسهیلگر	۰/۰۰۰	غیر نرمال
راهبرد کنش	۰/۰۰۰	غیر نرمال
پیامد	۰/۰۰۰	غیر نرمال

الگوی حائل مربعات جزیی در دو قالب مقادیر معنی داری و ضرایب تخمین استاندارد ارائه شده است:



شکل ۱. مدل مقادیر معنی داری



شکل ۲. مدل تخمین استاندارد

خلاصه مقادیر معنی داری و ضرایب استاندارد به صورت جدول ۶ است:

جدول ۶. خلاصه مقادیر معنی داری و تخمین استاندارد

تأثیر	معنی داری	ضریب استاندارد	نتیجه
شرایط علی بر پدیده محوری	۴.۰۰۶	۰.۵۰۸	تأیید
پدیده محوری بر راهبرد	۳.۵۵۷	۰.۶۵۹	تأیید
شرایط زمینه‌ای بر راهبرد	۲.۵۶۷	۰.۸۵۶	تأیید
شرایط مداخله گر بر راهبرد	۸.۶۰۷	۰.۷۲۴	تأیید
راهبرد بر پیامد	۴.۷۵۲	۰.۷۳۳	تأیید

ملاحظه می‌شود که تمام اعداد معنی داری بزرگتر از ۱/۹۶ (در شکل ۱) و ضرایب استاندارد (بارهای عاملی) نیز بزرگتر از ۰/۴ (شکل ۲) است. بنابراین مدل تحقیق مورد تأیید و معتبر شناخته می‌شود. معیار برازش داده‌ها یا GOF نیز برابر ۰/۴۲۸ بوده که از ۰/۳۶ بیشتر بوده و برازش مدل تأیید می‌شود. بنابراین مدل نهایی از بعد کمی تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی شامل یک فرآیند یادگیری است و عبارتست از توانایی برآمدن از عهده مسائل و مشکلات و نیز یاد گرفتن از آن‌ها می‌باشد. کارآفرین فردی است دارای ایده و فکر جدید که از طریق ایجاد یک کسب و کار و با بسیج منابع که با مخاطره‌ی مالی، اجتماعی و حیثیتی همراه است و محصول یا خدمت جدید به بازار ارائه می‌دهد. کارآفرینی یک منش، سبک و الگوی مناسب زیستن است و در اصل یک نوع هستی است؛ یک باور است و این باورپذیری و منش است که انسان‌ها را به متفاوت بودن با فعل تغییر، دگراندیشی

و نوآندیشی متمایل می‌دارد و بر اساس همین دگراندیشی و تفاوت است که مجموعه‌های از ویژگی‌ها در این افراد تقویت یا شکل می‌گیرد که اگر فرد موقعیت‌شناس باشد و قدر این شرایط را بداند و به‌صورت بهینه آن را مدیریت و هدایت کند، می‌تواند در همه جنبه‌ها ارزش آفرین شود. در نتیجه این موارد، او را از دیگران ممتاز می‌کند و موفقیت نسبی او را به دنبال می‌آورد. دانش به عنوان یک عاملی رقابتی، تیرهای تجاری را قبضه کرده است. شرکت‌ها مجبورند تا از گنج‌های نهفته در اذهان کارکنان خویش، بهره‌ی بیشتری بگیرند. در حالی که شرکت‌های مبتکر، گروه‌های کاری در زمینه مدیریت دانش بر پا می‌کنند، روسا بر نقش ویژه‌ای که دانش در شکل دهی آتیه شرکت هایشان ایفا می‌کند، تاکید دارند. سازمان‌ها دریافته‌اند که مزیت‌های رقابتی فناوری، گذرا هستند و تنها مزیت‌های رقابتی که پایداری دارند، کارکنان شان هستند. مدیریت دانش در رویارویی با تغییرات ناپایدار محیطی امروزه دنیای کسب و کار، تطابق و راز بقاء و شایستگی‌های مورد نیاز را برای سازمان‌ها فراهم می‌آورد. مهمترین نقشی که می‌توان به مدیریت دانش نسبت داد این است که آن را به عنوان یک روش تغییر در نظر بگیرند. مدیریت دانش از یک طرف با جذب دانش‌های جدید و وارد نمودن آن به درون سیستم و از طرف دیگر با اداره موثر آن دانش‌ها می‌تواند مهمترین عامل تغییر یک سازمان باشد. برای اینکه بتوان از دانش به صورت کارآمد و در جهت حصول سریع به اهداف بهره برد باید سیستم‌های تهیه، ذخیره، پردازش و اشاعه دانش را به وجود آورد تا در هر زمان و مکانی دسترسی به دانش مورد نیاز فراهم شود. راه حلی که در چند سال اخیر توسط بسیاری از صنایع و شرکت‌های بین المللی مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش، هدف طراحی مدل مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین المللی بوده که با استفاده از روش داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش کارکنان و کارشناسان شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران بوده که در بخش مصاحبه و اولویت بندی از نمونه گیری کیفی و در بخش اعتبار سنجی مدل داده بنیاد از نمونه گیری در دسترس استفاده شده است. بر اساس کدگذاری‌ها، در بخش علی دو مولفه چابکی سازمان و زیرساخت‌های سرمایه‌ای در این منظر قرار گرفته‌اند که این موضوع با پژوهش‌های پیشین (Anzenbacher & Wagner, 2023; Ardalan et al., 2019; Haghighi Kafash et al., 2016; Jalili, 2023; Khaki, 2023; et al., 2019) همگراست. در بخش عوامل تسهیل گر، دو مولفه برنامه ریزی و عوامل فناوری در این منظر قرار گرفته‌اند که این موضوع با پژوهش‌های پیشین (Nass & Testa, 2019; Nahid, 2021; Mohammadkazemi & Niknamian, 2022; Cohen & Olsen, 2020) همگراست. در بخش راهبردی، دو مولفه گرایش به خلاقیت و نوآوری و خلق دانش کارآفرینانه و به کارگیری فناوری‌های به روز و پیشرفته در این منظر قرار گرفته‌اند که این موضوع با پژوهش‌های پیشین (Rahimnia et al., 2021; West & Bogers, 2020; Yu & Li, 2020) همگراست. نهایتاً، در بخش پیامد، دو مولفه گسترش بازارمحصول و ایجاد راه حل‌های خلاقانه هنگام مواجهه با مسایل‌ها و تبدیل مساله به فرصت در این منظر قرار گرفته‌اند که این موضوع با پژوهش‌های پیشین (Antonic & Hisrich, 2017; Rahimnia et al., 2023; Rokhas et al., 2021) همگراست.

بر این اساس ملاحظه می‌شود که به منظور دستیابی به مدل مدیریت دانش کارآفرینانه با رویکرد خلق فرصت، وجود زیرساخت‌های سرمایه‌ای و نیز چابکی سازمان اهمیت دارد که در این راستا توجه به برنامه ریزی و مولفه‌های فناوری زمینه ساز بوده و بکارگیری راهبردهایی نظیر گرایش به خلاقیت و نوآوری و خلق دانش کارآفرینانه و به کارگیری فناوری‌های به روز و پیشرفته منجر به پیامدهایی از قبیل گسترش بازارمحصول و ایجاد راه حل‌های خلاقانه هنگام مواجهه با مسایل‌ها و تبدیل مساله به فرصت می‌شود. مهمترین و اصلی ترین نتیجه و پیشنهاد این پژوهش، توجه به مدل ارائه شده مدیریت دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین المللی می‌باشد. همچنین بر مبنای مفاهیم استخراج شده از مصاحبه‌ها ایجاد انعطاف در سازمان به کمک سرمایه‌های مالی پیشنهاد می‌شود که بتوان پیش بینی و پاسخ گویی لازم را در سطح ملی بین المللی ارائه کرد. همچنین توانایی رویارویی با فرصت‌ها، تهدیدها، هماهنگی با سایر سازمان‌ها و پویایی و جسارت را افزایش داد. با استفاده از سیستم‌های مدیریت دانش و سیستم‌های اطلاعاتی در سازمان در جهت حفظ دانش کارآفرینانه جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین المللی اقدام شود. همچنین با استفاده از این سیستم‌ها، به اشتراک گذاری دانش کارآفرینانه و نوآوری‌های لازم جهت استفاده از فرصت‌های کارآفرینانه بین المللی اجرا شود. آشنایی با روش‌های دور زدن تحریم‌ها، مصالحه و سازش با سایر کشورها و ایجاد هزینه برای تحریم کنندگان، برنامه ریزی‌های مناسب برای تبادل، به اشتراک گذاری و تسهیم دانش و تجربه و درس آموخته‌ها با سایر سازمان‌ها از یک طرف باعث ایجاد خلاقیت و نوآوری شده و از طرف دیگر در ایجاد فرصت‌های بین المللی، استفاده از مشاوران متخصص در حوزه خلاقیت و نوآوری، خلاقیت می‌تواند در خلق دانش اثرگذار باشد و در نهایت در خلق

فرصت‌های ملی و بین‌المللی دیده شود. به کارگیری فناوری‌های روز نظیر سیستم‌های اطلاعاتی شامل سیستم اطلاعاتی مدیریت و برنامه ریزی منابع سازمانی در نهایت منجر به مدیریت تجربه و دانش افراد کمک می‌کند. سیستم‌های مدیریت فرایند کسب و کار که در آن‌ها نوآوری‌ها ثبت می‌شود و این موضوع در نهایت به مدیریت دانش مناسب ختم می‌شود. به سایر محققین پیشنهاد می‌شود سایر عوامل محتمل در مدیریت دانش کارآفرینانه مورد بررسی قرار گیرند. همچنین پیشنهاد می‌شود که چنین پژوهشی را در سایر سازمان‌ها انجام داده و نتیجه‌آن‌ها را با نتایج این تحقیق مقایسه کنند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در طی مراحل این پژوهش به ما یاری رساندند تشکر و قدردانی می‌گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

حمایت مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

Extended Summary

Introduction

In the contemporary era, knowledge is recognized as the most valuable asset of organizations, determining their ability to navigate challenges and remain competitive. Organizations that possess a superior capacity for knowledge utilization are more adept at responding to market demands and sustaining long-term growth. The increasing significance of knowledge has necessitated effective knowledge management strategies to maintain a competitive advantage (Rahimnia et al., 2021). Entrepreneurial organizations, in particular, must leverage knowledge management to foster innovation, enhance strategic decision-making, and develop capabilities that support international expansion. The relationship between knowledge management and entrepreneurship has been extensively studied, with research indicating that the strategic handling of knowledge is a key determinant of entrepreneurial success (Mohammadkazemi & Niknamian, 2022).

The globalization of business has amplified the need for entrepreneurial ventures to exploit international opportunities. In this regard, knowledge management serves as a crucial enabler, facilitating the identification, acquisition, and application of knowledge that supports international entrepreneurship (Bargers, 2023). The ability to integrate knowledge resources from



various domains enhances firms' capacity to navigate complex international markets and adapt to emerging opportunities. The role of knowledge management in fostering entrepreneurship is particularly evident in dynamic environments where uncertainty and rapid technological changes demand a high degree of agility (Eyal & Inbar, 2021).

Entrepreneurial knowledge management is thus a strategic process through which organizations systematically acquire, store, and utilize knowledge to drive innovation and entrepreneurial initiatives. Research suggests that organizations that effectively manage their knowledge resources are better positioned to recognize and capitalize on global entrepreneurial opportunities (Antonic & Hisrich, 2017). However, despite its importance, the integration of knowledge management into entrepreneurial processes remains an underexplored area, necessitating further investigation (Caiazza et al., 2019).

This study aims to design a model of entrepreneurial knowledge management to optimize the utilization of international entrepreneurial opportunities.

Methods and Materials

This study follows a mixed-methods approach, incorporating qualitative and quantitative research phases. The qualitative phase involved semi-structured interviews with industry experts working in the industrial parks of Tehran Province. Participants were selected using purposive sampling, ensuring that they had extensive experience in entrepreneurial knowledge management. Theoretical saturation was reached after interviewing 10 participants, with a total of 14 interviews conducted. Data were analyzed using the grounded theory approach, following Strauss and Corbin's systematic methodology. The analysis led to the identification of 19 key concepts, which were then categorized into five main dimensions.

For quantitative validation, structural equation modeling (SEM) was employed. Initially, a questionnaire was designed based on the qualitative findings, and its validity and reliability were assessed. Construct, content, divergent, and convergent validity were evaluated, and reliability was confirmed using Cronbach's alpha and composite reliability tests. The validated questionnaire was then distributed among a statistical sample comprising 162 managers and experts from the industrial parks. Given the non-normal distribution of the data, the research model was tested using the partial least squares (PLS) method, utilizing SmartPLS software (version 2).

Findings

The qualitative phase identified 19 key concepts related to entrepreneurial knowledge management, which were categorized into five main dimensions. The structural relationships among these dimensions were examined in the quantitative phase.

The analysis indicated that causal conditions had a strong effect on the core phenomenon, with a standardized path coefficient of 0.753. The core phenomenon exerted a significant impact on strategies, with a coefficient of 0.693. Contextual conditions influenced strategies with a coefficient of 0.748, while intervening conditions affected strategies with a coefficient of 0.579. Finally, the relationship between strategies and outcomes was confirmed, with a coefficient of 0.787.

The findings highlight the pivotal role of knowledge management infrastructure and organizational agility in fostering entrepreneurial activities. The study also underscores the importance of contextual factors, such as regulatory environments and international market conditions, in shaping entrepreneurial strategies. The validation of the model through structural equation modeling further supports the theoretical underpinnings of the proposed framework.

Discussion and Conclusion

Entrepreneurial success in the global marketplace is increasingly dependent on the ability to manage knowledge effectively. Organizations that prioritize knowledge management can create conditions that facilitate innovation and enhance their capacity



to exploit international opportunities. The findings of this study demonstrate that entrepreneurial knowledge management is a multifaceted process involving the integration of various internal and external knowledge resources.

The research highlights the need for organizations to develop robust knowledge infrastructures that support entrepreneurial decision-making. By investing in knowledge management systems and fostering a culture of continuous learning, firms can improve their agility and responsiveness to market changes. The study also suggests that contextual factors, including economic policies and regulatory frameworks, play a critical role in shaping the effectiveness of entrepreneurial knowledge management practices.

Furthermore, the results underscore the importance of strategic alignment between knowledge management and entrepreneurial objectives. Organizations that align their knowledge management efforts with their entrepreneurial goals are better positioned to identify and capitalize on emerging opportunities. This alignment can be achieved through targeted training programs, investment in digital knowledge-sharing platforms, and the establishment of collaborative networks with industry partners.

In conclusion, the study provides a comprehensive model of entrepreneurial knowledge management that can serve as a guide for organizations seeking to enhance their international entrepreneurial capabilities. The integration of grounded theory and structural equation modeling offers a robust methodological approach for understanding the complex interplay between knowledge management and entrepreneurship. Future research can build on these findings by exploring industry-specific applications of the model and examining its implications for policy-making. By fostering a deeper understanding of entrepreneurial knowledge management, this study contributes to the broader discourse on organizational innovation and competitive advantage in the global economy.

References

- Aghazadeh, H., Esfidani, M. R., & Gholi Motlagh, M. (2016). Designing a scale for evaluating ethical personal selling. *Management Research in Iran*, 20(3), 1-24. https://mri.modares.ac.ir/article_399.html?lang=en
- Alizadeh, H., Alba, K., & Rahdari, A. (2024). Assessing the development and sustainability of SMEs based on industry acceptance 4.0. 1st National Conference on Modern Applied Research in Business and Industrial Development (ARBI2024), <https://en.civilica.com/doc/2037846/>
- Alizadeh, H., & Khalili Asr, G. (2023). Evaluation of the online shopping experience based on the behavioral characteristics of customers of art products. *Scientific Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 6(23), 1109-1123. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1763>
- Antonic, B., & Hisrich, R. D. (2017). Clarifying the entrepreneurship. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 10(1). <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/14626000310461187/full/html>
- Anzenbacher, A., & Wagner, M. (2023). The role of exploration and exploitation for innovation success: Effects of business models on organizational ambidexterity in the semiconductor industry. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 16, 373-385. <https://link.springer.com/article/10.1007/s11365-019-00604-6>
- Ardalan, M. R., Soltanzadeh, V., & Beheshti Rad, R. (2019). Evaluating the role of organizational culture in corporate entrepreneurship. *Higher Education Letter*, 6(23), 68-79. https://journal.sanjesh.org/article_14864.html
- Bargers, A. J. (2023). Research methodological techniques as a model for quantitative studies in Social Sciences. *British Journal of Economics, Management & Trade*, 4(6), 862-879. <https://doi.org/10.9734/BJEMT/2014/7665>
- Bertsimas, D., & Sim, M. (2020). Robust discrete optimization and network flows. *Mathematical Programming*, 98(1-3), 49-71. <https://doi.org/10.1007/s10107-003-0396-4>
- Caiazza, R., Belitski, M., & Audretsch, D. B. (2019). From latent to emergent entrepreneurship: the knowledge spillover construction circle. *The Journal of Technology Transfer*, 1-11. <https://doi.org/10.1007/s10961-019-09719-y>
- Cohen, J. F., & Olsen, K. (2020). Knowledge management capabilities and firm performance: A test of universalistic, contingency and complementarity perspectives. *Expert Systems with Applications*, 42(3), 1178-1188. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2014.09.002>



- Eyal, O., & Inbar, D. (2021). Developing a public School Entrepreneurship inventory. *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 9(6). <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/13552550310501356/full/html>
- Hadizadeh Moghadam, A., & Rahimi Fil Abadi, F. (2021). *Corporate Entrepreneurship*. Janan Publishing.
- Haghighi Kafash, M., Esmaili, M. R., Mohammadian, M., & Taghva, M. R. (2016). Categorizing the factors influencing the demand for cultural products in the domestic market. *Management Research in Iran*, 21(2), 27-46. <https://www.sid.ir/paper/358615/en>
- Jalili, E., Mosabaki, A., Khodadad Hosseini, S. H., & Azar, A. (2019). Designing an implementation model for the merger strategy of Iranian public organizations. *Management Research in Iran*, 23(2), 151-181. https://mri.modares.ac.ir/article_498.html?lang=en
- Khaki, G. (2023). *Grounded Theory Research Method in Management*. Baztab Foujan Publishing.
- Khalil, D. F., Hornsby, J. S., & Covin, J. G. (2020). Diagnosing a firm's internal environment for corporate entrepreneurship. *Business Horizons*, 57, 37-47. <https://doi.org/10.1016/j.bushor.2013.08.009>
- Mehrani, A., Alizadeh, H., & Rasouli, A. (2022). Evaluation of the role of artificial intelligence tools in the development of financial services and marketing. *Journal of Technology in Entrepreneurship and Strategic Management*, 1(1), 71-82.
- Mohammadkazemi, R., & Niknamian, K. (2022). Presenting a corporate entrepreneurship process model in businesses active in Iran's cellulose industry. *Business Management Quarterly*, 14(53). https://journals.iau.ir/article_692505.html?lang=en
- Nahid, M. (2021). The what and why of entrepreneurship and corporate entrepreneurship at a glance. *Commercial Studies Quarterly*, 34, 39-58. <https://www.sid.ir/paper/466995/fa>
- Nass, S., & Testa, S. (2019). A knowledge management approach to organizational competitive advantage: Evidence from the food sector. *European Management Journal*, 27(2), 129-141. <https://doi.org/10.1016/j.emj.2008.06.005>
- Rahimnia, F., Gharabaghi, N., Behpour, E., & Molayi, Z. (2021). Presenting a conceptual model to examine the relationship between work ethics, spirituality, entrepreneurship, and organizational performance. First International Conference on Management, Innovation, and Entrepreneurship, Shiraz. <https://en.civilica.com/doc/108343/>
- Rokhas, C., Hisrich, R., & Roche, F. (2023). A conceptual model of public sector corporate entrepreneurship. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 4(3), 295-313. <https://doi.org/10.1007/s11365-007-0048-x>
- West, J., & Bogers, M. (2020). Leveraging external sources of innovation: A review of research on open innovation. *Journal of Product Innovation Management*, 31(4), 814-831. <https://doi.org/10.1111/jpim.12125>
- Yu, C. S., & Li, H. L. (2020). A robust optimization model for stochastic logistic problems. *International Journal of Production Economics*, 64(1-3), 385-397. [https://doi.org/10.1016/S0925-5273\(99\)00074-2](https://doi.org/10.1016/S0925-5273(99)00074-2)

